

باسمه تعالی

عنوان کرسی: نقش نهاد خمس در استقلال اقتصادی شیعه

ارائه دهنده: حجت الاسلام دکتر محمودرضا محمددوست (استادیار دانشگاه فرهنگیان)

ناقد اول: حجت الاسلام محمدصادق اخوان (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد دوم: حجت الاسلام دکتر محمدسعید پناهی بروجردی (استادیار دانشگاه علامه طباطبایی)

مدیر کرسی: حجت الاسلام دکتر سید مهدی طباطبایی (رئیس اداره فرهنگی تربیتی دانشگاه مجازی المصطفی)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: پنج شنبه (۱۴ تیر ۱۴۰۳)، ساعت ۱۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از حجت الاسلام محمددوست به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند.

در ادامه، ارائه دهنده حجت الاسلام محمددوست به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

حفظ و تقویت حیات اجتماعی شیعه، امری مستمر و تدریجی بوده که بستگی به عوامل مختلف اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته است. شیعیان به سبب انتقاد سیاسی نسبت به روش تعیین جانشینان پیامبر، همواره در معرض آماج حمله‌های پنهان و آشکار حاکمیت ظالم از قبیل انواع تهدید، توهین، تحقیر، تبعیض و تحریم حکومت‌ها قرار داشته‌اند، به گونه‌ای که برای بقای خود هزینه‌های سنگینی را متحمل شده‌اند. تلاش گسترده حاکمان در جهت حذف، انفعال و یا به حاشیه‌راندن شیعیان، موجب محرومیت ایشان از حقوق اساسی بوده است. خصوصاً که شکاف اقتصادی نیز بر شکاف ژرف مذهبی آن‌ها افزوده است، از این‌رو آنان که از یکجانبه‌گرایی حکومت در مانده شده بودند، در مخاطرات رو به افزایش، وضعیت دفاعی به خود گرفتند.

هرچند در همه ادوار حضور رهبران معصوم، فشار حداکثری بر شیعیان ادامه یافت، اما در برخی زمان‌ها، فرصت تداوم شیعه‌هراسی آشکارتر بود، بلکه شیعیان گرفتار در گرداب احتضار و مرگ دفعی شدند، هر روز خنجری بر پیکر شیعه وارد آمده و چالش‌های جدیدی برای حیات آن‌ها پدید آمد، که ایجاد ثبات به معنای مبارزه با شرایط محسوب می‌شد. رهبران شیعه همواره تلاش نمودند، این اقلیت ستم‌دیده را از مرگ تدریجی نجات داده و با بالا نگه‌داشتن مشعل امید، خون جدیدی در پیکر نیمه‌جان آنان، تزریق نمایند. امامان در میان انبوه فتنه‌های بلاخیز، شیعه را از سخت‌ترین دوره‌های حیات خویش عبور دادند. در شرایطی که تصور نابودی اساس تشیع وجود داشت، امامان می‌بایست دل به دریای بلا زده تا بتوانند شیعیان گرفتار در گرداب نومیدی را رها کرده، کشتی طوفان‌زده شیعه را از دریای متلاطم، به سمت ساحل نجات عبور دهند.

هرچند خلفاء، رهبران شیعه را جدی‌ترین خطر برای حاکمیت قلمداد نموده و از این رو پیروان ایشان را در تنگناهای جدید قرار داده، تا باعث دشواری ارتباط هواداران خط امامت با ائمه و دوری از آن‌ها شوند. اما امامان شیعه که همواره در مسیر خرد راهبردی حرکت کرده، نقش حیاتی در بازیابی هویت شیعی و تحول ساختاری تشیع و تبدیل آن جمعیت پراکنده به سازمانی تشکل یافته ایفا نمودند و توانستند به عنوان سکاندار سفینه شیعه، همانند قلبی به همه اعضای پیکر شیعه فرمان داده و تشیع را از گزند طوفان حوادث سیاسی و اجتماعی حفظ کرده، مانع پراکندگی ایشان شده و این اقلیت محروم را به قهرمان تاریخی تبدیل نمایند. ایشان برای ایجاد موازنه قدرت و از دست ندادن اختیار امور، زمینه تاثیر بر اوضاع را فراهم‌تر نمودند و شیعیان نیز در پرتو شیفتگی نسبت به رهبری واحد و استثنایی امامان، برای داشتن حق حیات تلاش کردند و توانستند ضمن به چالش کشیدن حکومت، هویت و جایگاه اجتماعی خود را تثبیت نمایند و به اقلیتی قدرتمند تبدیل شوند. راهبردی که همان امامت است در تکوین و استمرار شیعه تعیین‌کننده‌ترین نقش را داشت. امامان به عنوان پیشران تاریخ تشیع بر روندها، رویدادها و اقدامات این مذهب اثربخش بودند.

پایداری شیعه، محصول فرایندی تاریخی بوده که از متغیرهای متعدد اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی اثر پذیرفته است، که نمی‌توان آن‌ها را کاملاً جدا از هم ارزیابی نمود، بلکه باید آن‌ها را مجموعه‌ای به هم پیوسته در نظر گرفت که در عین استقلال، از نوعی پیوستگی درونی برخوردارند. در این بین اقتصاد در کنار اخلاق، فرهنگ، سیاست و امنیت، همه شئون زندگی شیعه را وحدت و انسجام بخشیده و قوام زندگی و اهرم نظام یکپارچه آن بوده است. از این رو اقتدار سیاسی و فرهنگی بدون رونق اقتصادی، مثلث دو ضلعی است، حیات اجتماعی و اقتصادی شیعه کاملاً متأثر از هم و موثر بر هم بوده و هر یک بر علل وجودی و ماهوی دیگری تاثیر مستقیم گذاشته است.

نهادسازی

شرایط ویژه دوره حکومت امویان و عباسیان، بن‌بست‌هایی را برای ادامه حیات شیعه ایجاد نموده بود؛ آن همه ستم و سرکوب می‌توانست مذهب شیعه را از گردونه اجتماع حذف نماید، ولی رهبران اقتدارآفرین شیعه در هر دوره‌ای برای صیانت از

هویت اجتماعی شیعه و برون‌رفت از وضع بحرانی آن، به مقتضای شرایط، تدابیر هوشمندانه‌ای را در پیش گرفتند، که تنها ایشان توان مدیریت و اجرای درست آن را داشته‌اند.

یکی از راهبردهای خردمندانه، تدریجی و کم‌هزینه رهبران شیعه، برای پیشبرد بهتر اندیشه‌ها و تحقق ظرفیت‌های مختلف، نهادسازی بود. نهادهایی جهت حفظ و پاسبانی از میراث گذشته و رسیدن به دستاوردهای مورد انتظار و تامین نیازهای اولیه آینده، به گونه‌ای که ظرفیت‌های مختلف شیعه بدون نهادهای مناسب اقتصادی و غیر اقتصادی مواجه با کاستی بزرگی بود و نمی‌توانست کارکرد بهینه داشته باشد.

نهادسازی به عنوان زیربنای قدرت راهبردی؛ یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های تلفیقی امامان، برای توسعه درازمدت تفکر شیعه و ایجاد ارتباط فکری و مالی شیعیان با آنان از طریق نمایندگان مطمئن و مشخص بود، به نحوی که این نیروها، تشکیلات و امکانات ضمن هم‌پوشانی، تقویت‌کننده یکدیگر باشند. یکی از نهادهایی که در جریان‌سازی و ظرفیت‌سازی رفتارهای اقتصادی شیعه تاثیر معناداری داشت و الگوی راهبردی، برای حل بسیاری از مشکلات بود، "نهاد خمس" بود، به گونه‌ای که حتی برخی آن را به تنهایی یک راهبرد اقتصادی امامیه دانسته‌اند و در کنار نهادهایی مانند نهاد وکالت، نهاد نیابت، نهاد وقف، نهاد قرض الحسنه توانست حیات اقتصادی شیعه را تضمین نماید. نوشتار حاضر سعی دارد، نقش «نهاد خمس» را در استمرار حیات اقتصادی شیعه از دریچه تاریخی بررسی نماید، تا پاسخی بر برخی زوایای این مسئله باشد.

نهاد خمس در دوره حضور

«خمس» که از نظر لغت به معنای يك پنجم است، در اصلاح فقه شیعه، اختصاص یک پنجم مازاد بر درآمد سالانه تمامی منافع مالی انسان است که، هر مسلمانان برخوردار می‌بایست به منظور گسترش معارف عمومی اسلامی به رهبران معصوم و یا وکلای ایشان در نواحی مختلف قلمرو بزرگ اسلامی تحویل دهد. ضمن آن که خانواده‌های کم درآمد از پرداخت آن معاف بوده، نصف خمس در اختیار امام و مخصوص منصب امامت بوده که برای اداره امور مختلف صرف می‌شده است.

ر چند وجوب خمس حقیقتی انکارناپذیر، از ضروریات اسلام و مورد پذیرش تمام مذاهب اسلامی می‌باشد؛ اما بر خلاف زکات، عملاً از اعتقادات اختصاصی شیعه گردیده است، زیرا به رغم نزول آیه خمس (انفال، ۴۱) و اتفاق نظر تمام مذاهب اسلامی (شیعه و سنی) در اصل وجوب خمس، اما میان مسلمانان در جزئیات مصارف آن اجماعی نیست. یعنی بیشتر اهل سنت بر این باورند که تنها به غنایم جنگی و گنج، خمس تعلق می‌گیرد. اما بنابر تفسیر شیعیان، وجوب خمس محدود به غنایم جنگی نیست، بلکه واژه «غنیمت» از نظر لغت معنای گسترده‌ای دارد و به هرگونه درآمد، سود و فایده‌ای از جمله اضافه درآمدها که به انسان می‌رسد، گفته می‌شود.

به عبارتی هر چند آیه در مورد خاص (غنایم جنگی) نازل شده است که ایمان واقعی مجاهدان جنگ بدر را مشروط به پرداخت خمس معرفی می‌کند؛ ولی معنی لغوی این لفظ عمومیت دارد و دلیل روشنی بر تخصیص آن در دست نیست و صرف

قرارگرفتن آیه در کنار آیات جهاد، نمی‌تواند مانع عمومیت آن شود. ضمن آن که شأن نزول، مخصص نیست و نمی‌توان آیه را به آن محدود کرد، بلکه قرآن به قسمتی از حکم خمس و به تناسب مسائل جهاد اشاره نموده و قسمت های دیگر آن در سنت بیان شده است. حتی از عبارت "من شیء" فهمیده می‌شود: خمس بر هر غنیمتی که به دست بیاید، حتی کوچکترین اشیاء واجب است. تردیدی نمی‌ماند که مقصود از آیه خمس، وجوب خمس در موارد دیگری از سود، علاوه بر غنائم جنگی نیز خواهد بود. چنان‌که همه خمس به پیامبر داده می‌شد و ایشان به حد لازم، به گروه‌های مختلف پرداخت می‌کرد. هر چند بنابر مصالح و موانعی، مانند محدودیت قدرت پرداخت خمس به سبب حاکمیت فقر عمومی بر جامعه و تنگدستی اغلب مسلمانان، از جمع آوری خمس در آمد بسیاری چشم پوشی می‌نمودند.

پس از رحلت رسول خدا هر چند وضعیت مالی مردم همچنان مناسب نبود تا بتوانند در پرداخت خمس ارباح مکاسب اهتمام ورزند. اما خلفا در توجه به این نوع از خمس کوتاهی عمدی و بلکه مفهوم آن را تحریف کردند، چنان‌که خلیفه دوم تصریح می‌کند: اگر خمس عراق دریافت شود، مشکل ازدواج و خدمت‌گزاری به هاشمیان از میان می‌رود. حتی پس از کشورگشایی خلفا و سرازیری غنایم جنگی به مناطق اسلامی، اهل بیت از دریافت خمس محروم شدند.

در این دوره علاوه بر کوتاهی خلفاء در عمل به حکم خمس، نظام پرداخت مستمری بیت‌المال، تبدیل به نظام طبقه‌بندی شد که ناقض مساوات زمان پیامبر بود! در زمان عثمان و امویان انحراف بیشتری در آن پیدا شد و خلفای اشرافی آن دوره، خود را خلیفه خدا و بیت‌المال را مال الله خواندند و به سلیقه خلیفه به هرکس صلاح می‌دیدند (بنی‌امیه) اختصاص می‌دادند، ایشان اموال عمومی را صرف مصارف شخصی نموده و مسلمین را از بیت‌المال محروم نمودند و بنای اختلاف طبقاتی را محکم کردند!

امام علی (ع) از همان آغاز پذیرش خلافت، با دشواری‌ها و موانعی دست و پنجه نرم نمود، که در سیاست نادرست خلفای پیشین ریشه داشت. مسئله خمس نیز از مواردی بود که هر چند تا حدودی دریافت می‌شد و کسانی که آن را سبک می‌شمردند، توبیخ می‌شدند؛ اما امام علی به دلیل رعایت مصلحت، نتوانست سنت رسول خدا را درباره آن، کاملاً احیا کند. ایشان به این دلیل نتوانست این انحراف را تغییر دهد که به علت اعتراض مردم، نمی‌خواست متهم به تخلف از سنت دو خلیفه نخست گردد.

بنابراین امام علی با توجه به مشکلات مالی شیعیان، گاهی با تأکید بر پرداخت خمس و بیان آثار منفی عدم پرداخت آن، کسانی را که در پرداخت خمس کوتاهی می‌کردند مؤاخذه می‌نمود، گرچه سهم خمس آنان را می‌بخشید تا زندگی آنان پاک بماند، چنان‌که تصریح نمود: مردم به خاطر خوردنی‌ها و همسران خود نابود می‌شوند، زیرا آنان سهم ما را نپرداخته‌اند، آری ما شیعیان خود و پدران آنان را از این جهت حلال کردیم.

نهاد خمس در دوره غیبت

با آغاز غیبت امام دوازدهم که جامعه امامیه به اوج دشواری‌های خویش رسید و سرگردانی و آشفتگی شیعیان عرصه را بیش از پیش بر ایشان تنگ نمود، اما نهاد خمس همچنان استمرار داشت، در این دوران نهاد «وکالت» به نهاد «نیابت» تبدیل شد، به گونه‌ای که تنها نایبان خاص امام مهدی، امکان ارتباط مستقیم با شخص ایشان را داشتند و ضمن نظارت بر وکلاء، سؤالات کتبی و شفاهی مردم را از طریق وکلای دیگر دریافت کرده و به امام منتقل می‌نمودند و پاسخ را به شیعیان یا وکلای مناطق مختلف می‌رسانیدند و همچنین، وجوهات شرعی شیعیان را با وکالتی که از امام داشتند، می‌گرفتند و به ایشان تحویل می‌دادند یا با اجازه امام در موارد از پیش تعیین شده مصرف می‌کردند. پس از مرگ آخرین نماینده خاص امام دوازدهم؛ «علی بن محمد سمری»، وکلای ایشان در شهرهای مختلف، از دریافت وجوه مالی مربوط به امام و همچنین ادعای ارتباط با امام خودداری کردند.

شهرت جمع آوری خمس در دوره غیبت صغری، آن قدر زیاد بود که «عبیدالله بن سلیمان»؛ وزیر حکومت عباسی، تلاش کرد تا نمایندگان امام مهدی را شناسائی و دستگیر کند. در این هنگام از طرف ایشان نامه‌ای خطاب به وکلای آن حضرت به این مضمون صادر شد: «از هیچ کس چیزی نگیرید و از گرفتن سهم امام خودداری کنید و خود را به نادانی زنید». وکلا نیز بر مبنای دستوری که به آن‌ها رسیده بود، از گرفتن سهم امام خودداری می‌کردند.

تاکید می‌شود یکی از راه‌های نهادینه‌شدن ظرفیت‌های پنهان "خمس" در دوره حضور و غیبت، بنیانگذاری نهاد وکالت بود؛ امامان که طبق حدیث متواتر ثقلین، همتای قرآن و هم سنگ آن هستند؛ برای استمرار حیات اقتصادی شیعه، با تقسیم کار مناسب اصحاب بین سه لایه نظری، گفتمانی و عملیاتی در صدد یکپارچه‌سازی راهبردهای خود در سطح گسترده‌تری برآمدند، تا امکان پیگیری امور فراهم شود، از طرفی اختناق شدید سیاسی از سوی حاکمان ظالم، که ارتباط دوسویه امامان و شیعیان را دشوارنموده بود و عدم حضور امام در جامعه، خود زمینه‌ساز مشکلات بزرگتری می‌توانست باشد، آن‌ها را به سمت بنیانگذاری نهاد وکالت سوق داد.

در زمانی که اخذ مالیات و زکات در انحصار حکومت بود، ایشان با بهره‌گیری از هزاران عالم و فقیه تربیت شده و جمع کثیری از خاندان اهل بیت در سراسر بلاد اسلامی، یک سیستم پنهانی، منظم، منسجم، هوشمند، دقیق و ساختارمند برای تشریح و ترویج خمس و جمع آوری آن تاسیس نمودند، به صورتی که از دورترین روستاها تا شهرهای بزرگ در سراسر نقاط سرزمین‌های اسلامی، خمس و زکات محاسبه و اخذ می‌گردید و به همین جهت فرهنگ پرداخت حق امام، در بین جامعه شیعی به فرهنگی مرسوم و رایج بدل گردیده بود.

بنابراین پس از دوره حضور و پایان فعالیت نهاد وکالت، مسئولیت اقتصادی شیعیان به نواب خاص و پس از آن به نواب عام (فقهاء) واگذار گردید، به تعبیری نهاد وکالت با مراجعه شیعیان به نواب خاص، جای خود را به نهاد «نیابت خاصه» و با مراجعه به فقهاء، جای خود را به نهاد «نیابت عامه» یا «مرجعیت» داد و وظایف آن به صورت دیگری، توسط فقیهان ادامه

یافت. از این رو شیعیان در دوره غیبت به بحران رهبری مبتلا نشدند و نهاد مرجعیت توانست تا اندازه ممکن وظایف امام معصوم را بر عهده گیرد و نیروهای شیعی را به عنوان يك قدرت بی بدیل تبدیل کند، تا با طاغوت درآویزد.

فقه‌های شیعه در دوره غیبت، با استناد به نصوص قرآنی و سنت پیامبر و سیره امامان، اقوالی که منجر به فتوای پرداخت خمس می‌شود را در معرض استفاده مسلمانان قرار داده‌اند، ایشان همانند امامان در زمان نداشتن قدرت و نفوذ، برخی از شؤون حکومت را که توان سرپرستی آن را دارند، بر عهده گرفتند از جمله دریافت و مدیریت خمس آن. ایشان با استناد به روایات فراوان، خمس را به عنوان یک عبادت در فصل عبادات کتب فقهی مورد توجه قرار داده، که آن کتب یا به طور مستقیم عنوان خمس داشته و یا در آن بحث خمس مطرح شده است.

مشهور فقهای شیعه با توجه به سیاق ظاهری آیه خمس، تشریح خمس را مانند سایر تشریحات قرآنی ابدی و دائمی دانسته‌اند، از این رو پرداخت خمس را از نشانه‌های ایمان و نپرداختن آن را علامت نداشتن ایمان ذکر نموده‌اند، به تعبیری نه تنها اعتقاد به وجوب خمس، بلکه ادای آن را از ضروریات دین دانسته و به همین جهت در آثار نپرداختن خمس، تأکید کرده‌اند: الف) انسان تا خمس مالش را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند.

ب) اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) به اندازه خمس مال، معامله باطل است. چنان که اگر آن را به کسی هدیه نماید، گیرنده هدیه نمی‌تواند به مقدار خمس، در آن مال تصرف نماید.

ج) اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حَمّام بدهد و در حمام غسل کند، غسل او باطل است. با توجه به کارکرد عظیم خمس، اگر چه گاهی برخی افراد مغرض مانند احمد کسروی و حیدرعلی قلمداران، با گرایش‌های تند اصلاحی و با عنوان «مبارزه با بدعت، غلو و خرافات»، به این واجب الهی چنگ انداخته‌اند و با شبهه افکنی و تردید، در صدد تضعیف، انزواء، انکار و فراموشی این واجب الهی بوده‌اند؛ اما در مقابل برخی از فقها خمس را یک سهم واحد مالی یکپارچه و غیرقابل تقسیم دانسته‌اند که در رتبه نخست، به خداوند تعلق دارد و سپس به شخصیت حقوقی پیامبر و امامان سپرده شده، تا بر اساس مصالح اسلام و مسلمانان آن را برای اداره جامعه به مصرف برساند، چنان‌که در روایت از خمس به عنوان «وجه الاماره» یاد شده است. البته یکی از مصارف خاص که برای این بودجه مشخص شده، سادات بنی هاشم هستند که امام و حاکم اسلامی، وظیفه داشته، نیاز آنان را برطرف نماید.

فقهای بزرگی مانند امام خمینی، مدیریت اصلی خمس را از شئون امامت و حاکم اسلامی دانسته‌اند که طی دوران مختلف بر پیامبر و امامان شیعه منطبق بوده است و البته اداره زندگی شخصی و خانوادگی پیامبر از مهم‌ترین مصالح مسلمین و از جمله مصارف خمس است. ایشان تصریح کرده‌اند: «چون اختیاردار خمس، در دوره حضور، امام است، در عصر غیبت، باید حاکم اسلامی سرپرست آن گردد؛ زیرا او حجّت از سوی امام است. پس باید، همه خمس به او داده شود، تا هزینه کند».

به هر حال در طول دوره غیبت هر فقیهی در قلمرو نفوذ خود وجوهات را دریافت و به مصرف می‌رساند، به مرور زمان دریافت وجوهات، تا اندازه‌ای محدود شد، و مردم وجوهات خود را به مراجع تقلید جامع شرایط و شناخته‌تر می‌پرداختند، که نتایج شگرفی در عرصه سیاسی و اجتماعی به‌دنبال داشت. به تدریج پشتیبانی مردم از تمرکز رهبری سیاسی، سبب مشروعیت اجتماعی بیشتر مرجعیت شیعه شد. بدین ترتیب نهاد مرجعیت در طول زمان به سوی تمرکز بر «مرجعیت کل» پیش رفت و با پیداکردن جایگاه اصلی خود، توانست در مسیر تکامل یافته‌تری قرار گیرد و پس از آن کلیه شؤون و نهادهای مربوط به زعامت جامعه شیعی در رهبری واحد و در قالب «ولایت فقیه» متمرکز شد.

پس از ارائه تفصیلی حجت الاسلام محمد دوست، ناقد اول حجت الاسلام محمدصادق اخوان در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- اگر مقاله ای نقد شود، نقد نویسنده مقاله نیست.
- در این مقاله ضعف در ارتباط بین فرضیه ها با خود ادله است.
- اگر خمس نبود، دسترسی به تمدن نوین اسلامی نبود؟
- در حال حاضر با توجه به منابع موجود حاکمیت اسلامی، آیا با مدعای نویسنده که قوام و ثبات اقتصادی شیعه را مدیون خمس است، نسبتی دارد؟
- حقوق دیگر هم وجود دارد مثل زکات و ...
- محافظت از تفکر شیعه ارتباط مستقیمی با مساله خمس ندارد؟ توسعه و گسترش بهتر از محافظت از تفکر شیعه است.
- اگر علی علیه السلام حاکم می شد، خمس به این شکل واجب می شد؟
- چون جامعه اسلامی، جامعه مفیدی بود خمس واجب شد؟.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که حجت الاسلام دکتر محمدسعید پناهی بروجردی به موارد زیر پرداختند:

- عنوان مقاله نقش نهاد خمس در استقلال اقتصادی شیعه است که دو متغیر دارد: ۱- استقلال اقتصادی و ۲- نهاد خمس.
- اگر وضعیت شیعه در صدر اسلام تحلیل می شد و بعد نقش خمس مورد بررسی قرار می گرفت. نمونه ای در مقاله وجود نداشت.
- اگر بخواهید این مقاله تقویت شود باید قبل از وجوب خمس و بعد از وجوب خمس تحلیل شود.

- در مورد تبیین خمس توسط امامان شیعه آن را مستند کردید و تحلیل های شخصی افراد از فرمایش علما باید برای تایید استفاده کرد نه استدلال.

- در این مقاله بحث در مورد سازمان وکالت زیاد مطرح شده است.

- نقش وکالت در هدایت اقتصادی ارتباطی با بحث نداشت.

- اشاره به وجوب خمس در مقاله داشتید که ارتباطی با موضوع نداشت.

- مقاله پرش هایی داشت که ارتباطی با وجوب خمس ندارد.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.